

بن آرد ای بعضیها هم رگبارت سبب معتاد بالبره بن آبال معنیها جمله روی و فیدله ربه
 شیوه صاحب تشریح از سبب معتاد بالبره بن آبال معنیها جمله روی و فیدله ربه
 بعضیها معتاد بالبره بن آبال معنیها جمله روی و فیدله ربه
 ایها تاه الكصاره و ربه بن آبال معنیها جمله روی و فیدله ربه
 اگر ما بخواهیم از روی کتب معتاد بالبره بن آبال معنیها جمله روی و فیدله ربه
 بنسب معتاد بالبره بن آبال معنیها جمله روی و فیدله ربه
 پس فخر آبی نموده و بالذبحاع ادبی و ربه بن آبال معنیها جمله روی و فیدله ربه
 ربه بن آبال معنیها جمله روی و فیدله ربه
 عقلی و ادبی وجود ندارد.

صفحه نهمی از مدنیت کوشانی بگرام .
 نسبتاً ۹ و ۱۰ کا آن آتصه رخ ای به تپه

زیورات

تساوی بن آبال معنیها جمله روی و فیدله ربه
 بقا و اعتبار بن آبال معنیها جمله روی و فیدله ربه
 ربه بن آبال معنیها جمله روی و فیدله ربه
 در آثار و زیورات قدما چنانچه در شهری که از قدما فاسل معتمد
 تعیین مرآت مدنیت مادی ربه کوشانی هبشکی از مساین عمده تاریخی است که بعد
 از اتمام کنوش های متعدد در بگرام باید در اطراف آن کم و بیش صحبت شود.
 ظروف نیکری و اسلحه که از خرابه های بگرام پیدا شده دو عامل مهمی است که
 میزان استعداد صنعتی و حیات مدنی کوشانی ها از روی آن تا یکدر وجه روشن
 میشود و بینکنان های پر مدار فلزی خاطر اسلحه اموام (سیتی) را آباد میدهد
 معذالک اگر به اشیای مکشوفه که ناچار بدست آمده خوب دقت شود دیده میشود که
 مطالعه زیورات و اشیای آرایش و تجمل بیشتر مذاق مدنی کوشانی های بگرام
 را به ما معرفی میکند . در حقیقت امر مطالعه زیورات و اشیای زینتی یگانه منبعی
 است که معلومات ما را راجع به کوشانی بسط میدهد اگر چه تعداد این قبیل
 اشیای مکشوفه هنوز آنقدر زیاد نیست معذالک صفحه جدیدی راجع به اصلیت قومی
 باز میکند که موفق به تشکیل امیر اطوری گردیدند و این امیر اطوری مدت سه قرن
 دوام کرد .

بنابر آن مقتضای حدیث آن متقد و غیره صحیح نیست البته اتقل باب
 قرار تحقیقاتی که بعمل آمده زیورات نسبت به طبقه اول از طبقه دوم خرابه
 های بگرام کشف شده است مقصود از طبقه دوم شهر دوم بگرام است و معلوم
 میشود که نسبت به شهر اولی در طبقات شهر دوم زیورات به تناسب بیشتر بدست
 آمده است و علت این امر بسته بدو چیز است : اول اینکه عصر و زمانیکه به آبادی

شهر دوم و گرام و ادف میباشد بعضی عصر میلادی دوم کوشانی و که این شهر را کپور
عمرانی اوست در تمام تاریخ این دو دهان درخشان ترین باصهار و با با بهت ترین ادوردها
است که در طی آن تهارت این السلی به آخرین احد این ساط و شنیده بود و در نتیجه
طبعاً این باغ دولت کوشانی از نعمت دارائی و فراوانی پول ثروت برخوردار بود
و ذخایر قیمتی در داخل این طوری متر ا کم شده بود تا نایب شهرها بلکه در اثر عملیات
شدید نا کهنانی تسلیم میشوند عموماً با بکلی دولت بخوشن چیا اول آنها جمیع قراره
میل و در با اقلاً چور و چیا در رفعتی المزان در خدمت میکنند و با با وجود شدت چیا اول دور
زیرتخت کستر های آتش سوزی شهر اشیای قیمتی را از باقی میماند البته این
انقابات هم از امور اعدای است که قسمتی از زمین قبیل انبار را در موقع بروز خطرات
نا کهنانی اهالی خود به عجله پنهان میکنند بغلامید این که شاید در روزی به آن دست
یابند و یا اینکه با حویلی خانه ها در قصور قسمتی از اشیای آن خد کهنالی و توارق باقی
میمانند و این نظریه که آن می رود در مورد اشیائی متعلق کند که همسکن از دست
اطاق کشب کرده است این هم جز از اتفاقات اعدای است که بعضی اشیای آن در چیا اول
کیندر کبان مفقود میشد و یا بدست آنها خراب میشود و مقصود از این سخن این است کهندان
و چیا اول کردن افزات قیمتی از خیمه ها و اشیای دیگره می باشد که نسبتاً با اهمیت
و بهائی ندارد و در کیندر کبان و چیا اول این اشیای با اهمیت و با اهمیت در کیندر کبان
در میان زبورات که از خرابه های شهر دوم و گرام کشف شده که در طلائف
مقام اولیت دارد و منظور از اهمیت که بدان میدهند قیمت و بهای آن را بلکه از
ممیزات آنست و در میان مجموعه زبور آلات از نقطه نظر شکل و ساخت و در کیندر
صفات قابل توجه زیاد است قطر کر طلائف که از آن صحبت میکنیم ۷۰۰ متر
ضخامت آن ۳۰۰ متر و عرض آن ۶۰۰ متر میباشد روی کر از طرف خروج
هموار از طرف داخل کمی بر آمده است که دور ادور صفحه خارجی کر (۴۶)
خانه مستطیل شکل (۰۰۴ متر در ۰۰۳ متر) تعبیه شده که در آنها (۶)
دانه نگین های هموار اول کانی نصب شده بود و ۲۶ عدد آن کمبود است برای
اینکه نگین های اصل درخشان تر جلوه کنند و نمایش آن روی متن فلز زیاده تر باشد
میان هر قطعه لعل و نه خانه های معینه آن یک یک و در کیندر کبان و کیندر کبان

و در تحشان طلا کفایت شده است و این تخمین کارگران دوره (میرودن و برین) (Mérpin gienna) هم به یک روشی بر دند و ورقه را غموه آموخ میدادند. در این گره از آثار هنری یونانی چیزی نیست که اگدا شو اهد ساختت ایران عصر اهنه نشی و اشکابی در آن چیزی ادبوه همیشه دوروی همرفته بازوش ساختت زیورات دنیاى مدیترانه و آسیای داخلی اختلاف بزرگ دارد. برخلاف گره بیکرام شباهت های زیاد و یقینی با آن زیورات دارد که معمول قرن دوم ق م و مخصوصاً قرن اول مسیحی است و از خاک های جنوب روسیه از مقابل سمرت های Sarmetes کشف شده است. سمرت ها از سابقین اشیای فجهلی و زیورات را و در شام امضو منی داشتند که آنرا با خود به جنوب روسیه آوردند. خطوط اساسی این روش عبارت از زمین بود که با نصب اجبار کریمه و سنگ های نجه قیمتی و حتی شیشه های غلای سطح فلز قیمتی را هر یک با کلی می پوشانیدند به تلون رنگ ها آنقدر اهمیت میدادند که حتی بعضی اوقات جلوه جواهرات در بازی و رنگها خیره میگردانند. همین قسم نصب اجبار کریمه به فواصل کم متصل بهم از همزات این روش بود. البته از این ملاحظات نباید چنین نتیجه گرفت که کوشانی ها بر سمرت ها اجرای نفوذ کردند و یا بر عکس قوم اخیر الذکر بر کوشانی تاثیر افکندند ذوق به رنگهای مختلف مخصوصاً رنگهای نیز ترجیح دادن سنگ سرخ و جواهرات سرخ را گنگ در میان اجبار کریمه تزئینات هندسی شکل ساده و ابتدائی استعمال زیاد شیشه های هر رنگ غالباً بجای سنگهای قیمتی چیزی است که سمرت و کوشانی ها پیش ازینکه هر یک را در طریق مهاجرت پیش گیرند در علف زار های آسیای مرکزی میساختند. سبکی را که (روستوف زف Rostovzoff) بنام روش ایرانی شمالی، مسمی ساخته است پیش از اینکه از جایجا شود و به آفاق پراکنده گردد معروف بود زیرا همسایه اقوام فوق الذکر من ها هم آنرا میساختند و این مسئله از روی کشفیات جدیدی که در مقابر من ها در (به نی سه می Tenissie) و در گوهای التائی بعمل آمده واضح شده است و و خود تهذیبی و مدنی باشند گمان مناطق علف زار را ثابت ساخته است. متذکر شدیم که سنگ سرخ در ساختت زیوراتی که بنام سبک (ایرانی

شمالی) موسوم شده است فایق است. سرمت ها با قوت کانی و با قوت سوخته و با چرخ کم رنگ تر یعنی مرجان را بیشتر بکار می بردند و علت آنهم مراکز تولید این در سنگ بود که در سائبیریا و اورال پیدا میشود و کوه های اخیرالذکر به داشتن سنگهای نیمه قیمتی معروف است. سنگ سرخ رنگی که کوشانی بکار می بردند اعل بود که از کوه های بدخشان استخراج میشد. و امر وز هم مانند لاجورد یکی از محصولات معدنی آن علاقه بشمار میرود.

آغاز اکتشاف و بکار افتادن لعل بدخشان امری است نامعلوم ولی مستر تارن، وولف نارینج (یونانی ها در باختر و هند) با استناد ظرفی که از نیمه پیمانان هده کشف شده و سنگینه های لعل دران نصب است و در میان طرف ا مذکور سکه های (از مس) بدست آمده است چنین فرض میکنند که استخراج لعل بدخشان با ورود یوچی ها شروع شده است زیرا یونانی ها از آنرا میشناختند نظر به این دانشمندی که در شنا سائی ممیزات یونانی بصیرت کامل دارد برای مطالعه زیورات مختصه کوشانی اهمیت بسزائی دارد و به حیث يك موضوع کاملاً جدا گانه هم ثابت میسازد که سمیت ها در سرزمین مفتوحه چنان در تجسس سنگ سرخ مطلوبه خود بر آمده اند.

صفتگران دوره کوشانی در تراش پارچه های لعل ماهر بودند نه تنها سنگینه های مسطح می تراشیدند بلکه اشکال فنی دیگری هم بدان داده میتوانستند و مؤید این نظریه سر کوچک انسانی است که در يك پارچه لعل بساز قشنگ حجاری شده و باید کنار قرن ۳ یا ۴ عهد مسیحی باشد (۱)

ارتفاع این سر ۱۱۰ متر و عقب آن هموار میباشد و اصلاً مانند تاج سرمتی (نو و وچیر كسك Novotcher Kassk) در کدام زیور از قبیل بازوبند یا تاج نصب بوده است.

(۱) این در کولتکسیون آقای شاه عبدالله خان بدخشی بوده و از روی لطف پناه نشان داده و اصلاً از بهارک شرق فیض آباد پیدا شده است بعضی شواهد دیگری که از همین محل پیدا شده اهمیت آنرا واضح میسازد و سوالی در خاطر میکند که آیا بهارک مرکز قدیم یوچی ها در جنوب اکسوس نبوده و بعد تر همین جا مرکز یفتلی ها نشده ؟

اعل بدخشان در تمام قرون وسطی حتی تا قرن ۱۷ در تمام بازارهای (جواهر)
فروشی خریدار زیادی داشت. آنچه مار کو بو او در آن باره نوشته معروف است
در میان اجبار که همه جواهر فروشان قسطنطنیه که دانشمندی در دربار
سلطان مراد چهارم (۱۶۴۰-۱۶۲۳) بنام اولیا چیلی Evlia Tchibeli آدر
(سیاحت و مسی) Seyah it Namesi شرح داده عبارت از الماس هند اعل
بدخشان فیروزه آبشایور و سنگ قیمتی دیگری بوده که (چشم ماهی)
که از سودان می آمدند

بزرگ بازار جواهر گوشتوار قضا می گویند که در آن شکل حبابی گروی داشته و بعد ها
قصد آن هموار شده خرابی بی مورد نیست. قسمت موجوده حصه قیمتی گوشتوار
است که در آن سنگ پنج بر یکی نیاید. به طوری که در هر یک است آن دانه فیروزه می
نشانده است. اصول نصب اجبار قیمتی در این گوشتوارها به بازو بندگی
که ذکر شد مفرق اداری چون از رفته طلا نازیک است و خانه می تراعی نهادن سنگ
در آن ساخته میشود و در آن کشیده اند تا اجبار را محکم بنگیزد
در ساخت این گوشتوارها که در خوب وقت می شود تعمیرات اصول زیورسازی
سراعت ها چشمه و دست از قبیل: اول کمال مگرهای ساده است که کیدین کلان
برای نصب جواهرات دیگر کردن است. مگرهای فیروزه استعمل فیروزه
در جنوب رواج که کمتر است از برای بیکه که قیمت معدن این سنگها در یک آبشایور
در خراسان ابراهیمی و چون دانه و خطی در حال حاضر هم از آن جواهر ساخته میشود
و سرخند امیر اطولوی که شانی ساز حوالی قزاق آن عبود میکند و بنفشه
(انگشتی) که چکش قرمزی با آن میکنند و بقرمزی میگویند چیزی است که در صورت
معالجات وارد است اما قیمت در میان حایر آن گرفته شده و اطراف آن عروطنی
نقطه های قیمتی دیده میشود که در حبابهای (کوچک) آن قسمی که در این قسمت و این
رو هم خصوصاً سرمت ها است نزدیک گوشتوار می که بالا و کوچ بافتند

در مدال شیشه می شکسته وجود داشت یکی آنها که بشکل بیضی و شیشه آن را می
میباشد در خردی و در آنجا نیشتره نوشته خردی شیار در آن قطعات انگیزه
که در دست است آخر نوشته همین خوانده میشود که در این قسمت است

تا ما ... Ta-mi Sa در بین تو شته نام مالک آن کشتی را که فرد با زنی
 بوده میتوان تشخیص داد. صورت خواندن آن چنین میشود. ذ. از ...
 تمام. مقدار دومی که آنها شاکته بدست آمده از طرف ما مرمت کاری
 شده دندانک قسمت مرگزی آن نگه بود است. این نگه هم از شیشه آبی
 کم رنگ ساخته شده بود در آن بصورت برجسته گل تیدو فر شش بر که دیده میشود
 این دو نگه شیشه فی حتما در جزء زیورات شامل بوده و چون هیچ کدام
 سوراخی برای آویزان کردن ندارند باید در فلزات قیمتی نصب بوده باشند
 و بعدها فلز را از نگه جدا کرده اند این دو مدال مدور و بیضوی هم نمونه هائی
 است که نظیر آن در زیورات سمرت ها در جنوب روسیه در مقابر سمرت ها
 بسیار پیدا شده و تصور بر بعضی آن در شکل ۴ گرفته شده است (مقصد از شکل
 ۴ اصل کلمات است) در زیورات طلائی متمش با اشکال هندسی و فندر تا
 مزین با صور گل های اخیار قیمتی و نیمه قیمتی و با نگه های عادی شیشه فی
 به رنگ های مختلف گرفته میشود در مرگزی گشاهی خشک قیمتی و گاهی
 خمیر شیشه را که بصورت مدور نصب میشود مدال بگرام در همین قطار می آید
 و بیشتر و باطو هم مانند زیورات دو قوم را تا پیدا میکند از سطح نمره دوم خزانه های
 بگرام که در حقیقت شهر دوم شمرده میشود هفت قطعه مدور طلائی با یک سکه
 طلائی کمی بزرگ است اما این قطعات کوچک که قطر آنها بین
 ۰۱۶ متر و ۰۰۹ متر فرق دارد در ورقه نازک طلا بریده شده و هر کدام
 دارای کینده طلائی میباشد به یکا اول چنین تصور میشود که این مدال ها
 اگر به تازگی کشیدم شود گلوله بند یا حلیلی تشکیل خواهد داد و این چون دقت
 شود کینده های آن طور افقی ساخته شده که اگر به تازگی کشیده شوند مدال ها
 روی گلوله قطار نمیشوند ازین گذشته اگر مخصوص گلوله بند می بودند در میان
 هر دو تازی آنها مرواریدی جیل می کردند تا مدال ها روی یک دیگر نیابند.
 حال آنکه در مجاورت آنها قطعا کدام مروارید دیده نشده پس مدال ها
 صورت استعمال دیگری داشتند که باز راه حل آنرا مطالعه زیورات سمرت ها
 بما نشان میدهد در قبر های این قوم از روسیه جنوبی هزاران قطعه کوچک

مدور، مربع، سه گوشه، صلیب، نما، به اشکال هندسی با بصورت گِل‌ها پیدا شده که ذریعه ناری که از سوراخ کوچک کهنه افقی میگذشت روی لباس دوخته و محکم میشد. قطعات مدور کهنه زده طلائی بگرام به همین مطلب ساخته شده و به نائید آن باید خاطر نشان کرد که مثالی هم در دست است و آن مجسمه ایست که به ویماک فیزس شاه کوشانی نسبت داده میشود و روی لباس او قطعات فلزی دوخته شده است. تزئین لباس با مدال‌ها و قطعات فلزی از ایجاد سرمت‌ها نیست و منحصر به ایشان نمیباشد بلکه از قبور سیت‌ها در جنوب روسیه به تعداد زیاد پیدا شده. تنها فرقی که هست در اینجا است که مدال‌های سیت‌ها کلان تر و تصاویر انسانی و حیوانی روی آنها برجسته نقش شده و در مدال‌های سرمت‌ها اشکال هندسی و گل‌ها در چنانچه مال کوشانی هاهم تقریباً همین منوال است. ذوق تزئین لباس بلاشک از امپراطوری کوشانی به ایران که همسایه غربی ایشان بود سرایت کرده و مبداء دوخت احجار کریمه روی پارچه‌های لباس از همین جا نشئت گرفته است چنانچه نمونه آنرا روی بلان خسرو دوم در سموج طاق بستان ملاحظه میکنیم. خاطرۀ این نوع آرایش لباس که بعضی قبایل کوچی آنرا دوام داده اند تا امروز از میان نرفته و مسکوکات طلائی یا نقره‌ئی هنوز هم در البسه آنها دیده میشود و مخصوص زن‌های کوچی به این گونه آرایش علاقه مندی زیاد دارند. (۱)

از امکان بیرون نیست که این روش بر هنر هندوان ایرانی عملی و سانسائی تأثیر وارد نسکرده باشد ایشان که در بافت پارچه نسیم‌های طلائی و نقره‌ئی بیگار می بردند بانصب احجار کریمه و قطعات فلزی هندسی شکل و دیگر اشکال گل‌ها و حیوانات و حتی تصاویر انسانی جلوه لباس را دو بالا

(۱) فراریکه لباس‌های فست انوکرافی موزه کابل نشان میدهد نه تنها مسکوکات بلکه مانند دوره‌های کوشانی قطعات مدور فلزی بدون ضرب هم در البسه زنانه کوچی‌های افغانستان مورد استعمال است.

میگردند. این گونه پارچه ها و البسه عهد ساسانی را خوارچین عزانی و فزاری میگویند. کار داده اند و نمونه های مطلوبه روی آبدان ساسانی مانند طشاق بنشان (اشخاصی که معروف شکار اند) و بعضی فلزک زی های عربی و ساسانی و زم شرقی دیده می شود.

شرح زیورات طبقه دوم بگرام را ابان ذکر بعضی اشیای کوا چک اد بگرام به تفصیل ذیل خاتمه میدهم: این کوا چک در سینه بعضی از کوا چک ها است که انکشمتری که حلقه آن بشکل بزرگ های تاج ساخته شده. کوشواره در چنان گلابی که از گردن سر مت بدان اشتیاق زیاد داشتند مدال عاجی منبت شده از جمله اسباب آرایش چیز های ذیل بدست آمده است: سه عدد بین عاجی یا استخوانی که سربسکی آن هموار است و سر دیگر ی دندان نه دار است و کارشانه هم از آن گرفته می شود و سر سومی بشکل دستی منقحی شده است که انکشان آن قات میباشد. این رقم پن آخرین الذ کسر عمومیت زیاد داشته زیرا نظیر آن بکن از تا کزیسلا (از سیرک Sirkap) از طبقه خرابه های مربوط به سیت و پارت پیدا شده و یک دانه دیگر از خرابه های (ابان قلعه) از خوارزم بدست آمده است. در اینجا باید مهری را هم ذکر کنیم که اصلا از سنگ سیاه است و سوراخی در حقه بالائی برای آویزان کردن دارد. بدنه مهر سه حقه دارد و سر آن که در آن سوراخ کشیده شده بصورت گنبدی در آمده و روی هم رفته شباهت زیاد به عطر دانی های یونانی و یونانورومی دارد که از مصر بخصوص از اسکندریه پیدا شده و تاریخ آن بقرن اول مسیحی می رسد. در میان احجار کریمه و زیوراتی که از بگرام پیدا شده بکنی هم یکدانه عقیقی است بیضوی به طول ۱۶.۵ متر و عرض ۱۱.۵ متر که روی آن تصویر دیو نیزوس Dionysos حکاکی شده است. این نوع ابانکورا و شراب و مستی برهنه است و بصورت جوان بی زین نمایش یافته به دور سرش

نوازی که تاثیر آن زایل کردن درد سری است که از بخار شراب تولید می شود
و آن را به یونانی (میترا) گویند و عبارت از پارچه نوازی بود که مثل دستار
دور سر بادور کمر بسته میشود در دست راست دیونیزوس یک خوشه انگور
وزیر بغل چپش نیزه کوتاهی دیده میشود. یکی از علائم خارقه دیونیزوس
رب النوع انگورو بوده و مستی احدت باسر بزرگ ولی غالباً در آن عصا
نیزه کوتاهی مخفی میباشد که سلاح جنگی او را تشکیل میدهد روی مسکوکات
مارونه (Maronée) او را باینک خوشه انگور و دیونیزه کوتاه نمایش داده اند
و روی عقیق بگرام هم همین کیفیت نمایش یافته روی یک سنگینه دیگر عقیق
که از خرابه اسکندریه (حصار سکندری) قریب کابل پیدا شده تصویر
دیونیزوس زیبا تر از سنگینه بگرام حکاکی شده و حکاکی آنرا باید به یک نفر
از هنرمندان محلی نسبت داد. در میان آریاب انواع غربی تصویر دیونیزوس
از همه بیشتر از بگرام تا کنون کشف شده است. بغداد و جسمه ایم تنه و ریش دار
این رب النوع که از نقره ساخته شده و از (سیراک) بدست آمده و مجسمه مغربی
که هاکن از بگرام کشف کرده این دو سنگینه می آید و باید ملتفت شد که بعد
از مآربات اسکندر تصویر رب النوع انگور و شراب که او را بنام دیگرش بکوس
Bacchus میخوانند در این قسمت آسیا معمول شده بود. در حقیقت امر نواحی
شرقی اقصای اسیان بین هندو کش و مجرای (اندوس) از نقطه نظر اقلیم و تهذیب
و معتقدات سرزمین اصلی این رب النوع را بخاطر می آرد. کوه چشمه سارها
تاجکستان های قشنگ و مردمانی که بدور مشعلها بانوای موسیقی میرقصیدند
و به شراب علاقه داشتند زندگی کانی را بیاد میدهد که در یونان در کشور دیونیزوس
دیده بودند در چنین سرزمین و در چنین هوا و فضا باشند گمان دایم مقدرند
در عالم غربت خویش را در وطن خویش و در میان هم وطنان خویش تصور میکردند
بدین ترتیب Nysa محل تولد دیونیزوس که آنرا در نقاط مختلف آسیا

